Supreme National Defense University Quarterly of Defense Strategy

https://ds.sndu.ac.ir E-ISSN: ۲۹۸۰-۸٤٦٤

Vol. ۲۳, No. ٤, Issue. ۹۲, Winter ۲۰۲٦ Received: ۲۰۲٥/۰٤/۳۰ Accepted: ۲۰۲٥/۱۲/۲۸

Research paper

Genealogy of Cognitive Warfare with an Emphasis on U.S. Cognitive Threats against Iran

Hossein Shokouhi
Professor and Faculty Member, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.
Email: hosseinshokoki۱٤۰۰@gmail.com
Mohammad Shahmohammadi
Associate Professor and Faculty Member, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.
Email: m.shahmohammad@sndu.ac.ir
Hassan Mahjoob Eshratabadi
Associate Professor, Shahid Sattari Aeronautical University of Science and Technology, Tehran, Iran.
Email: hassanmahjub@ut.ac.ir
Ruhollah Farahani
Ph.D. Candidate in Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.
Email: rhfarahaniiran@gmail.com

Abstract

Background: Cognitive warfare, as a novel strategic instrument, focuses on influencing human perceptions, thoughts, and behaviors and has had far-reaching implications for global conflicts in the digital age. Going beyond the conventional boundaries of traditional warfare, cognitive warfare seeks to shape and ultimately control the cognitive domain and influence the minds of target populations .Objective: This study examines the theoretical foundations and genealogy of cognitive warfare, with particular emphasis on U.S. cognitive threats against Iran, in order to identify the dimensions of these threats and potential countermeasures.Methodology: This qualitative study employs a descriptive-analytical approach and is based on library research and content analysis of authoritative Persian- and English-language sources. The study population comprises historical, theoretical, and contemporary texts related to cognitive warfare, while data were collected through documentary analysis .Results: The findings indicate that cognitive warfare has roots extending back to antiquity and that, in the contemporary era, the United States has targeted Iran through the use of social media, sanctions, and disinformation, seeking to influence societal beliefs and attitudes and widen the gap between the public and the governing system. These threats pose significant challenges to Iran's national security and necessitate the development of intelligent and adaptive defense strategies.

Keywords: Cognitive Warfare; U.S. Threats; Genealogy; Theoretical Foundations; Psychological Operations

فصلنامه راهبرد دفاعی

سال بیست و سوم، شماره چهارم (پیاپی ۹۲)، زمستان ۱۴۰۴، صص.۱۲۵-۱۵۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

مقام معظم رهبری : « اگر کشوری امروز در علوم شناختی و فناوری‌های مرتبط با آن عقب بماند همان سرنوشت کسانی که در انقلاب صنعتی عقب ماندند را دچار خواهد شد ».

مقاله پژوهشی

تبارشناسی جنگ شناختی با تأکید بر تهدیدات شناختی آمریکا علیه ایران

حسین شکوهی
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
Email: hosseinshokoki۱٤۰۰@gmail.com

محمدشاه محمدی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
Email: m.shahmohammad@sndu.ac.ir

حسن محجوب عشرت‌آبادی
دانشیار دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران
Email: hassanmahjub@ut.ac.ir

روح‌الله فراهانی
دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
Email: rhfarahaniiran@gmail.com

چکیده

زمینه: جنگ شناختی به‌عنوان یک ابزار استراتژیک نوین، بر تغییر ادراکات، افکار و رفتار انسان‌ها تمرکز دارد و در عصر دیجیتال، تأثیرات گسترده‌ای بر منازعات جهانی گذاشته است. این مفهوم از جنگ‌های سنتی فراتر رفته و به تسخیر ذهن‌ها می‌پردازد. **هدف:** این تحقیق، بررسی مبانی نظری و تبارشناسی جنگ شناختی با تأکید بر تهدیدات شناختی آمریکا علیه ایران است تا ابعاد این تهدیدات و راهکارهای مقابله شناسایی شود. **روش‌شناسی:** تحقیق کیفی و توصیفی-تحلیلی بوده و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای منابع معتبر فارسی و انگلیسی انجام گرفته است. جامعه آماری شامل متون تاریخی، نظری و معاصر مرتبط با جنگ شناختی است و داده‌ها از طریق بررسی اسنادی جمع‌آوری شده‌اند. **نتایج:** نشان می‌دهد که جنگ شناختی ریشه در دوران باستان دارد و در عصر معاصر، آمریکا با بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی، تحریم‌ها و اطلاعات نادرست، ایران را هدف قرار داده تا باورها و نگرش‌های جامعه را تغییر دهد و فاصله بین مردم و حاکمیت ایجاد کند. این تهدیدات، امنیت ملی ایران را به چالش کشیده و نیازمند راهبردهای دفاعی هوشمند است.

کلیدواژه‌ها: جنگ شناختی، تهدیدات آمریکا، تبارشناسی، مبانی نظری، عملیات روانی

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

در نظم نوین بین‌المللی، ماهیت منازعات دستخوش دگرگونی بنیادین شده است. از میانه قرن بیستم، جنگ‌ها از رویارویی‌های کلاسیک نظامی به سمت عملیات روانی و ادراکی گرایش یافته‌اند؛ اما انقلاب دیجیتال و ظهور فناوری‌های شناختی در دو دهه اخیر، این روند را به سطحی بی‌سابقه ارتقا داده است. امروزه، قدرت‌های بزرگ به‌جای تمرکز صرف بر قلمروهای زمینی، هوایی و دریایی، «مغز» و «ادراک» جمعی را حساس‌ترین میدان نبرد شناسایی کرده‌اند (ناتو، ۲۰۲۱). این تغییر پارادایم، مفهوم سنتی امنیت را از حفاظت فیزیکی به مصونیت‌سازی شناختی توسعه داده و کشورها را با تهدیدهایی نامرئی، غیرقابل ردیابی و با سرعت انتشار ویروس‌وار مواجه ساخته است.

در این چهارچوب، جنگ شناختی از رویارویی‌های مسلحانه فراتر رفته و به قلمرو ذهن، ادراک و فرایندهای شناختی انسان منتقل شده است (جانسون و همکاران، ۲۰۲۳). این جنگ با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی و تحلیل کلان‌داده‌ها، افکار، باورها و رفتارهای فردی و جمعی را نظام‌مندانه شکل‌دِهی و کنترل می‌کند (دوکلوزل، ۲۰۲۱؛ مقدم‌فر و همکاران، ۱۴۰۱) و نه‌فقط محتوای افکار، بلکه شیوه تفکر و تحلیل را با تکیه بر علوم اعصاب، علوم اجتماعی و فناوری‌های نوظهور هدف می‌گیرد تا ادراکات جمعی را بی‌ثبات سازد (پاپالاردو، ۲۰۲۲). این شیوه از پیشرفت‌های نمایی فناوری در قرن بیست‌ویک بهره می‌برد؛ هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و تحلیل داده‌های عظیم، زرادخانه‌ای از ابزارها فراهم آورده‌اند که می‌توانند جریان افکار عمومی را تغییر دهند، انتخابات را دستکاری کنند و بدون شلیک یک گلوله، منازعه بیفروزند؛ این ابزارها با بهره‌گیری از داده‌کاویِ رفتاری، امکان هدف‌گیریِ دقیقِ گروه‌های جمعیتی را فراهم می‌آورند و با تولید محتوای شخصی‌سازی‌شده، روایت‌های مسلط را به چالش می‌کشند تا هنجارهای فرهنگی و ساختارهای اعتماد اجتماعی را متزلزل سازند؛ جنگ‌افزارهای شناختی برای دستکاری بنیادین اندیشه و رفتار انسان طراحی شده‌اند (لوبریش، ۲۰). در عصر انقلاب دیجیتال و دسترسی بی‌سابقه به اطلاعات، این ابزارها به اهرمی استراتژیک برای قدرت‌های

بزرگ بدل شده‌اند تا بدون هزینه جنگ سخت، اراده خود را بر جوامع هدف تحمیل کنند (آلوارو و همکار، ۲۰۲۲). بدین‌ترتیب، امنیت در قرن بیست‌یکم، بیش از هر چیز به توان دفاع شناختی و مصونیت وابسته است؛ جنگی که در سکوت الگوریتم‌ها و داده‌ها آغاز می‌شود، سرنوشت ملت‌ها را پیش از میدان‌های نظامی، بر ترازوی ادراک و باورهای جمعی می‌نهد.

جمهوری اسلامی ایران در دو دهه اخیر، به‌ویژه از دی‌ماه ۱۳۹۶، به‌صورت هدفمند در معرض ترکیبی از عملیات روانی پنهان، تحریم‌های اقتصادی هوشمند، پخش اطلاعات نادرست در شبکه‌های اجتماعی و مهندسی نگرش‌های فرهنگی-ایدئولوژیک از سوی ایالات‌متحده قرار گرفته است (گروه مطالعاتی اندیشه نظامی، ۱۴۰۳). این اقدامات نه در سطح تهدیدات نظامی، بلکه در لایه‌های عمیق‌تر باورهای دینی، هویت ملی و اعتماد نهادی طراحی می‌شوند تا با «هک کردن مغز» (آلوارو و همکار، ۲۰۲۲) و اجرای مهندسی اجتماعی پیچیده، شکاف میان مردم و حاکمیت را تعمیق بخشند. الگوی تاریخی این رویکرد در جنگ روانی معاویه در صدر اسلام یا فروپاشی شوروی از درون قابل ردیابی است، اما در فضای دیجیتال، مقیاس و سرعت آن چندین برابر شده و محدودیت‌های زمانی-مکانی را از میان برده است.

با وجود گسترش پژوهش‌ها در حوزه عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای و تهدیدات سایبری، بررسی جنگ شناختی به‌عنوان پدیده‌ای تاریخی-راهبردی با رویکردی تبارشناسانه در مواجهه با ایران، همچنان با خلأهای جدی مواجه است. بیشتر مطالعات موجود به بررسی موردی و فنی ابزارهای دیجیتال اکتفا کرده‌اند و از ارائه مدلی علّی و نظام‌مند که ارتباط میان ابعاد چهارگانه روانی، رسانه‌ای، اقتصادی و ایدئولوژیک را در یک چهارچوب تحلیلی واحد تبیین کند، غافل مانده‌اند. در سطح راهبردی نیز ادبیات دفاعی کشور بیشتر معطوف به مقابله فنی با حملات سایبری و محتوای رسانه‌ای بوده است؛ درحالی‌که راهبردهای دفاع شناختی بومی برای مواجهه با مهندسی هدفمند باورهای بنیادین (ازجمله اصول انقلاب اسلامی و هویت دینی) تدوین نشده و سناریوهای فروپاشی نرم از طریق تغییر نگرش‌های نسل جوان، به‌عنوان تهدیدی نامرئی، کم‌تر مورد واکاوی تاریخی-تحلیلی قرار گرفته است. این

شکاف‌های دوگانه (نظری و عملی)، ضرورت بازخوانی تاریخی-تبارشناسانه از تکوین تهدیدات شناختی آمریکا علیه ایران را به‌عنوان موضوعی پژوهشی مغفول‌مانده، پیش روی محقق می‌نهد تا از رهگذر این واکاوی، ابعاد پنهان و لایه‌های تکوینی این پدیده آشکار گردد.

ازاین‌رو، هدف تحقیق حاضر تبیین مبانی نظری، مفهومی و تبارشناختی جنگ شناختی با تأکید بر تهدیدات آمریکا علیه ایران است تا ضمن روشن‌سازی ابعاد تاریخی، عملیاتی و راهبردی آن، چهارچوبی برای شناسایی و پاسخ‌دهی فراهم آورد. سؤال اصلی چنین صورت‌بندی می‌شود: تهدیدات شناختی آمریکا علیه ایران چگونه تکوین یافته و چه ابعادی (روانی، رسانه‌ای، اقتصادی و ایدئولوژیک) دارد؟ فرضیه پژوهش نیز بر این گزاره استوار است که آمریکا با ترکیب عملیات روانی سنتی، فناوری‌های نوین دیجیتال و فشارهای اقتصادی، جنگ شناختی را به ابزاری مؤثر برای تغییر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای جامعه ایرانی تبدیل کرده و هدف نهایی آن ایجاد شکاف پایدار بین مردم و نظام اسلامی است.

انجام این تحقیق ازآن‌جهت دارای اهمیت است که با مطالعه و پژوهش تبارشناختی جنگ شناختی آمریکا علیه ایران، فواید علمی و عملی زیر حاصل می‌شود:

۱. تأکید و اهمیت موضوع از نگاه مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی بر لزوم توجه به جنگ شناختی به‌عنوان تهدیدی راهبردی، ضرورت بازخوانی تاریخی-تحلیلی این پدیده را برای مقابله هوشمندانه با آن آشکار می‌سازد. مبانی نظری حاصل از نتایج مطالعات اکتشافی این تحقیق می‌تواند بر غنای علمی سایر پژوهش‌ها در حوزه امنیت ملی، دفاع شناختی و مطالعات راهبردی بیفزاید و ضمن توسعه دانش در این عرصه، به‌عنوان یک مرجع قابل‌اتکا و سودمند در ادبیات این حوزه محسوب گردد.

۲. جنگ شناختی آمریکا علیه ایران، برخلاف تهدیدات نظامی کلاسیک، دارای لایه‌های پنهان تاریخی، رسانه‌ای، اقتصادی و ایدئولوژیک است که تنها با رویکردی تبارشناسانه قابل‌کشف و تبیین است. مطالعه و بررسی این ابعاد چندلایه به‌عنوان یک دستاورد پژوهشی راهبردی دارای اهمیت و ضرورت است و امکان تدوین

چهارچوبی جامع برای شناسایی، پیش‌بینی و خنثی‌سازی سناریوهای شناختی دشمن را فراهم می‌گرداند.

۳. مشخص نمودن مضامین، شرایط و الزامات الگوی تکوین تهدیدات شناختی آمریکا (شامل ابعاد روانی، رسانه‌ای، اقتصادی و ایدئولوژیک) جهت استفاده مدیران راهبردی، سیاست‌گذاران دفاعی و پژوهشگران امنیتی، از اهمیت بالایی برخوردار است و امکان هم‌افزایی در توانمندی‌های دفاع شناختی کشور در نظام جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازد.

٤. الگوهای تاریخی جنگ‌های شناختی (از جنگ روانی معاویه تا فروپاشی شوروی و عملیات شناختی علیه ایران از دی‌ماه ۱۳۹۶) به‌عنوان سرمایه‌های تاریخی کشور، نشان‌دهنده تکرار الگوهای رفتاری دشمن در طول تاریخ است که در کم‌تر پژوهشی به‌صورت تطبیقی و نظام‌مند واکاوی شده است؛ بنابراین مطالعه این الگوها به‌عنوان یک ضرورت راهبردی، امکان ترسیم سناریوهای محتمل برای آینده را میسر می‌سازد (گروه مطالعاتی اندیشه نظامی، ۱۴۰۳؛ ناتو، ۲۰۲۱).

در صورت عدم انجام این تحقیق و تحقیقات مشابه و نبود یک الگوی تبارشناختی برای جنگ شناختی آمریکا علیه ایران، آسیب‌های زیر حاصل می‌شود:

۱. عدم بازنمایی لایه‌های تاریخی و پنهان جنگ شناختی آمریکا علیه ایران، به‌ویژه ابعاد روانی، رسانه‌ای، اقتصادی و ایدئولوژیک آن، می‌تواند فراموشی این الگوهای تکرارشونده تهدیدآفرین را به دنبال داشته باشد که دارای پیامدهای جبران‌ناپذیری برای جامعه، امنیت ملی و سازمان‌های دفاعی کشور است؛ براین‌اساس، مدیران راهبردی از درک عمیق ماهیت تهدیدات محروم مانده و ممکن است راهکارهایی را در سازمان خود به‌کار گیرند که با ماهیت نامرئی و درازمدت جنگ شناختی ناسازگار بوده و آسیب‌های حوزه امنیت شناختی را دوچندان سازد.

۲. ازآنجاکه هوشیاری در برابر جنگ شناختی و مهندسی ادراک یکی از مطالبات مهم مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی (مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴) است، عدم طراحی

الگوی تبارشناختی جنگ شناختی آمریکا علیه ایران و عدم تدوین آن، می‌تواند فرصت شناسایی به‌موقع تهدیدات و به‌کارگیری راهبردهای پیشگیرانه را از مدیران و سیاست‌گذاران دفاعی سلب نماید و کشور را در مواجهه با سناریوهای فروپاشی نرم، بدون نقشه راه رها کند.

۳. راهبردهای حاکم بر اداره امور دفاعی کشور در حوزه‌های مقابله با جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی، نیازمند پشتوانه علمی قوی و مدون و منطبق بر اصول انقلاب اسلامی و واقعیت‌های تاریخی است؛ نبود چهارچوب و الگوی مناسب در زمینهٔ تبارشناسی جنگ شناختی، انجام این وظیفه مهم را با چالش جدی روبه‌رو می‌سازد و امکان طراحی دفاع شناختی بومی و کارآمد را از میان می‌برد.

٤. اگر الگوی تبارشناختی جنگ شناختی آمریکا علیه ایران، با رویکردی تاریخی-تحلیلی و با تأکید بر ابعاد چهارگانه آن (روانی، رسانه‌ای، اقتصادی و ایدئولوژیک) تبیین و ارائه نشود، بعد از مدتی این تهدیدات لایه‌ای و ریشه‌دار از ذهن‌ها خارج و فراموش خواهد شد و سازمان‌های دفاعی و امنیتی کشور از فرصت شناخت ریشه‌ها و تکوین تهدیدات و استفاده از یک چهارچوب تحلیلی مطلوب برای پیش‌بینی و مقابله با سناریوهای آینده، محروم خواهد شد.

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی

تهدیدات شناختی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در ابعاد روانی، رسانه‌ای، اقتصادی و ایدئولوژیک چگونه تکوین یافته و براساس چه الگوی تاریخی-تبارشناختی قابل تبیین است؟

اهداف تحقیق

تبیین مبانی نظری، مفهومی و تبارشناختی جنگ شناختی با تأکید بر تهدیدات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و ارائه چهارچوبی جامع برای شناسایی، تحلیل و پاسخ‌دهی به ابعاد چندلایه آن.

۱. پیشینه پژوهش

حاتمی، محمدرضا و روشن‌چشم، حامد در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «مسائل نظامی و استراتژیک معاصر» به این نتیجه رسیده‌اند که جنگ‌های نوین به سمت ابعاد غیرفیزیکی سوق یافته‌اند و تمرکز بر عملیات روانی و رسانه‌ای جایگزین درگیری‌های مستقیم نظامی شده است.

حسین سبزی و افشارمحبی و حمیدرضا حاتمی در سال ۱۴۰۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «معرفی راهبردهای اقتدار فرهنگ دفاعی ج.ا.ایران در منطقه براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴» به این نتیجه رسیده‌اند که مناسب‌ترین راهبرد برای بُعد فرهنگی قدرت برتر دفاعی «پیوند نسل‌های کنونی و آینده کشور با نسل سرافراز انقلاب اسلامی، از طریق تبیین مبانی نظری و معرفت‌شناسی مقدس، همراه با برنامه‌ریزی صحیح جهت‌سازی و توسعه تجربیات برآمده از فرهنگ دفاعی برای آیندگان» است.

آلونسو برنال، در سال ۲۰۲۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ شناختی در عصر دیجیتال» به این نتیجه رسیده است که جنگ شناختی راهبرد تغییر تفکر مردم هدف بوده و به دو حوزه عملیاتی (تحقیق و تجزیه‌وتحلیل موارد فعلی و آینده) تقسیم می‌شود تا فهرستی جامع برای شناسایی موضوعات شناختی ارائه دهد.

دوکلوزل، در سال ۲۰۲۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «پشت پرده جنگ شناختی ناتو: جنگ برای مغز شما که توسط نیروهای نظامی غربی به راه افتاده است» به این نتیجه رسیده است که جنگ شناختی «جنگ برای مغز» است و ناتو آن را برای هک کردن افراد به‌کار می‌گیرد تا با سلاح‌سازی علوم مغز، مهندسی اجتماعی پیچیده‌تری اجرا کند.

حمید اسماعیلی و ابوذر میارعباسی در سال ۱۴۰۳ در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی قابلیت‌های علوم و فناوری‌های شناختی برای کاربردهای دفاعی–امنیتی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه دست یافته است که علوم شناختی در دفاع و امنیت چهار کاربرد دارد: طراحی سامانه‌های هوشمند، شبیه‌سازی جنگ، تحلیل اطلاعات و آموزش مؤثر. با رعایت

ملاحظات اخلاقی، تلفیق آن با رویکردهای سنتی، راهکاری نوین برای چالش‌های امنیتی امروز است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. جنگ شناختی

ورود جنگ شناختی به صحنه منازعه جهانی، بر دگرگونی بنیادین در اهداف جنگ‌افروزی تأکید دارد. اگر درگیری‌های سنتی در پی فتح سرزمین‌ها یا انقیاد سیاسی بودند، جنگ شناختی هدفش تسخیر ذهن‌ها و به بردگی کشیدن باورهاست. به‌عنوان مفهومی نوین در ادبیات نظامی، این جنگ ابزاری برای تسخیر و مدیریت ذهن است که تمرکز آن بر ادراکات، افکار و فرایندهای شناختی انسان‌ها است (محجوب عشرت‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷). این جنگ در سایه‌گاه‌های خودآگاهی عمل می‌کند، روایت‌هایی می‌بافد که ادراکات را منحرف می‌کنند، ایده‌هایی می‌کارَد که به ایدئولوژی‌های چرکین تبدیل می‌شوند و از آسیب‌پذیری‌های ذاتی ذهن بشر بهره‌برداری می‌کند.

جنگ شناختی از میدان‌های جغرافیایی به قلمرو ذهن منتقل شده و با بهره‌گیری از علوم مرتبط با مغز، هک کردن افراد را برای مهندسی اجتماعی پیچیده‌تر ممکن می‌سازد (دوکلوزل، ۲۰۲۱). ناتو آن را به‌عنوان ششمین حوزه عملیاتی به رسمیت شناخته و «جنگ برای مغز» توصیف کرده است (مقدم‌فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷). این مفهوم به سه شکل تحمیلی، حفظ وضعیت و پذیرش تقسیم می‌شود و در عصر دیجیتال با داده‌ها و ایده‌ها شکل گرفته است (هاربولوت، ۲۰۱۶). جنگ شناختی فراتر از عملیات روانی، با الگوریتم‌های محاسباتی و سازوکارهای شناختی، باورها و رفتارها را کنترل می‌کند و محدودیت زمانی–مکانی ندارد (آلوارو و همکاران، ۲۰۲۲).

گسترش رسانه‌های اجتماعی و بسترهای ارتباطات دیجیتال به این شکل از جنگ شتاب بخشیده است؛ فضاهایی که روزگاری ابزار مردم‌سالاری و تبادل آزاد افکار ستوده می‌شدند، حالا به حاملانی برای تبلیغات و اطلاعات نادرست تبدیل شده‌اند. عصر اطلاعات، به همان

اندازه که درباره دسترسی به حقایق است، درباره نشر راهبردی دروغ‌ها نیز هست؛ و این، گواهی بر لبه دو لبه هستی به‌هم‌پیوسته ماست (لوبریس، ۲۰۲۳).

۲-۲. تهدیدات آمریکا

تهدیدات شناختی آمریکا علیه ایران شامل بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی، تحریم‌های اقتصادی و پخش اطلاعات نادرست برای تضعیف افکار عمومی و ایجاد بی‌ثباتی است (آلوارو و همکار، ۲۰۲۲). هدف اصلی، تغییر باورها و نگرش‌های جامعه ایرانی و ایجاد فاصله بین مردم و حاکمیت است که امنیت ملی را تهدید می‌کند (مقدم‌فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۰). این تهدیدات از شهریور ۱۴۰۱ تشدید شده و با ترکیب عملیات روانی و فناوری‌های نوین، الگوهای فروپاشی از درون را بازتولید می‌کند (گروه مطالعاتی اندیشه نظامی، ۱۴۰۳: ۳۹). آمریکا با متحدانش، جامعه ایرانی را هدف قرار داده تا تردید در اصول انقلاب اسلامی ایجاد کند (آلوارو و همکاران، ۲۰۲۲). این اقدامات بخشی از جنگ شناختی گسترده‌تر برای سلطه ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک است (مقدم‌فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷).

۲-۳. تبارشناسی

تبارشناسی جنگ شناختی به دوران باستان بازمی‌گردد، از نیزه‌های شونینگن با تکنیک‌های فریب و سازمان‌دهی قبیله‌ای تا جنگ‌های هخامنشیان و مصر (دال‌هایم، ۲۰۲۰؛ کریستنسن، ۱۹۹۷). در صدر اسلام، جنگ روانی معاویه و عمروعاص نمونه‌ای از آن است که در جنگ احزاب متجلی شد (خوش رقم، ۱۳۹۶: ۷۸). در قرن بیستم، جنگ جهانی دوم با تبلیغات سازمان‌یافته آن را سیستماتیک کرد و دهه ۱۹۵۰ پایه‌های علمی علوم شناختی را گذاشت (جانسون و همکاران، ۲۰۲۳). در عصر دیجیتال، انقلاب ارتباطی و هوش مصنوعی آن را به سطح جهانی رسانده است (قاضی و همکاران، ۱۴۰۳: ۹). این سیر نشان‌دهنده تداوم ماهیت جنگ شناختی علی‌رغم تحول ابزارها است (مقدم‌فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸).

۲-۴. عملیات روانی

ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌ها از طریق ابزارهای فرهنگی، نفوذ، دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی با رسانه‌های پیشرفته است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). این عملیات پایه جنگ نرم و شناختی بوده و در صدر اسلام توسط کافران علیه پیامبر (ص) به‌کار رفت (خوش رقم، ۱۳۹۶: ۷۸). در معاصر، کمیته خطر جاری آمریکا در دهه ۱۹۸۰ با مهار، نبرد رسانه‌ای و نافرمانی مدنی، شوروی را فروپاشاند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶). عملیات روانی بر افکار پایه‌ای، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری تمرکز دارد و در جنگ شناختی به تسخیر ذهن کمک می‌کند (غلامعلیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۵). این ابزار بدون خشونت مستقیم، رفتارهای اجتماعی را در بلندمدت تغییر می‌دهد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶).

۲-۵. چهارچوب نظری

چهارچوب نظری تحقیق بر پایه طیف جنگ‌ها (سخت، نیمه‌سخت، نرم، شناختی) استوار است که از متن اصلی استخراج شده و جنگ شناختی را به‌عنوان نقطه اوج و پیشرفته‌ترین لایه این طیف معرفی می‌کند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳؛ جزینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹؛ تولایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۸). این طیف نشان‌دهنده تکامل جنگ از حوزه فیزیکی به شناختی است، جایی که تمرکز از تسلط سرزمینی به تسخیر ذهن و ادراک منتقل می‌شود (مقدم‌فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷). جنگ شناختی با بهره‌گیری از علوم شناختی (زیستی، روان‌شناختی، اجتماعی) و فناوری‌های دیجیتال (الگوریتم‌ها، رسانه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی)، فرایندهای فکری را هدف قرار می‌دهد و باورها، نگرش‌ها و رفتارها را کنترل می‌کند (محجوب عشرت‌آبادی و همکار، ۱۴۰۱: ۱۷؛ آلونسوبرنال، ۲۰۲۱).

نظریه‌پردازان کلیدی مانند هاربولوت (۲۰۱۶) جنگ شناختی را به سه شکل تحمیلی (قوی علیه ضعیف)، حفظ وضعیت (ضعیف علیه قوی) و پذیرش (تبدیل اطلاعات به دانش) تقسیم کرده‌اند که چهارچوب عملیاتی تحقیق را تشکیل می‌دهد. در این مدل، عملیات روانی به‌عنوان ابزار پایه (شایعه، نفوذ، دروغ‌پردازی) عمل می‌کند و با تهدیدات آمریکا (رسانه،

تحریم، اطلاعات نادرست) علیه ایران ترکیب می‌شود تا فاصله مردم–حاکمیت ایجاد کند (آلوارو و همکار، ۲۰۲۲؛ گروه مطالعاتی اندیشه نظامی، ۱۴۰۳: ۳۹).

چهارچوب نظری بر تبارشناسی تاریخی نیز تکیه دارد: از فریب در دوران باستان (نیزه‌های شونینگن) تا جنگ روانی صدر اسلام (معاویه) و فروپاشی شوروی (کمیته خطر جاری) که الگویی برای تهدیدات معاصر علیه ایران است (خوش رقم، ۱۳۹۶: ۷۸؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶؛ جانسون و همکاران، ۲۰۲۳). این چهارچوب، جنگ شناختی را پدیده‌ای چندبُعدی، پویا و بدون محدودیت مکانی–زمانی می‌داند که نیازمند راهبردهای دفاعی بومی مبتنی بر سواد رسانه‌ای و بصیرت است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و بنیادی است که با رویکرد توصیفی–تحلیلی و با چشم‌انداز تبارشناختی به تبیین مبانی نظری و سیر تکوین جنگ شناختی با تأکید بر تهدیدات آمریکا علیه ایران می‌پردازد. انتخاب رویکرد تبارشناختی، به‌دلیل ماهیت سؤال اصلی پژوهش («تهدیدات چگونه تکوین یافته‌اند؟») و ضرورت آشکارسازی لایه‌های تاریخی، گفتمانی و راهبردی این پدیده صورت گرفته است تا از فروکاستن جنگ شناختی به ابزارهای فنی صرف، پرهیز شده و بسترهای تکوینی آن در بسترهای زمانی–مکانی مختلف بازخوانی شود.

روش تحقیق بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی اسنادی استوار است؛ به‌گونه‌ای که با استفاده از تکنیک‌های کدگذاری مفهومی و تماتیک، الگوهای تاریخی، مؤلفه‌های عملیاتی و شبکه روابط میان ابعاد چهارگانه (روانی، رسانه‌ای، اقتصادی و ایدئولوژیک) از دل متون استخراج می‌شود. این روش، امکان شناسایی نقاط عطف تاریخی و چرخش‌های گفتمانی در مواجهه آمریکا با ایران را فراهم می‌آورد و به‌طور خاص، پاسخ‌گویی به فرضیه پژوهش (ترکیب عملیات روانی سنتی با فناوری‌های نوین برای ایجاد شکاف مردم–حاکمیت) را میسر می‌سازد.

جامعه آماری شامل کلیه متون، اسناد، کتب، مقالات و گزارش‌های معتبرِ فارسی و انگلیسی مرتبط با جنگ شناختی، عملیات روانی و تهدیدات آمریکا علیه ایران، از دوران باستان تا سال ۱۴۰۳ شمسی است که برآورد اولیه آن بالغ بر ۱۵۰ منبع شناسایی شده است. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و نظری انجام شده و براساس معیارهای ارتباط مستقیم با موضوع تبارشناسی، اعتبار علمی نویسندگان و تنوع تاریخی–نظری (پوششِ دوره‌های باستان، صدر اسلام، قرن بیستم و عصر دیجیتال) تعداد ۶۵ منبع کلیدی (شامل ۴۵ منبع فارسی و ۲۰ منبع انگلیسی) انتخاب گردیده است. روش جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت اسنادی و با استفاده از فیش‌برداری دیجیتال، نرم‌افزارهای مدیریت منابع مانند (EndNote) و جدول‌های استخراج مفهومی (طراحی‌شده براساس ابعاد چهارگانه و دوره‌های تاریخی) انجام می‌شود.

روایی داده‌ها از طریق مثلث‌سازی شامل ترکیب منابع متنوع (تاریخی، نظری، سیاسی و راهبردی) و نیز بررسی یافته‌ها توسط سه نفر از متخصصان حوزه امنیت ملی تأمین گردیده است .پایایی نیز با تکرارپذیری تحلیل (محاسبه ضریب توافق بین کدگذاران: ۰/۸۷) و کدگذاری مجدد ۳۰٪ از داده‌ها پس از دو هفته (با تأیید همسانی درون‌موضوعی) مورد تأیید قرار گرفته است. روش تجزیه‌وتحلیل، تلفیقی از تحلیل محتوای کیفی تماتیک (با بهره‌گیری از نرم‌افزارMAXQDA برای مدیریت کدها و مقوله‌ها) و تحلیل تاریخی–مقایسه‌ای است تا ضمن استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی، سیر تحول تهدیدات در بسترهای زمانی مختلف به‌صورت تطبیقی واکاوی شده و ارتباط میان ابعاد چهارگانه در قالب الگویی تاریخی تبیین گردد.

جدول ۱: تعاریف عملیاتی متغیرها (براساس سؤال و فرضیه)

متغیر	تعریف عملیاتی	شاخص‌های اندازه‌گیری
جنگ شناختی (متغیر مستقل)	مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند مبتنی بر رسانه، الگوریتم‌های دیجیتال و علوم شناختی که برای تغییر ادراکات و شکل‌دِهی باورهای جمعی طراحی می‌شوند.	تعداد ارجاعات به مفاهیم «تسخیر ذهن»، «هک کردن مغز» و «مهندسی اجتماعی» در منابع کلیدی.

متغیر	تعریف عملیاتی	شاخص‌های اندازه‌گیری
تهدیدات آمریکا (متغیر وابسته)	عملیات رسانه‌ای، تحریم‌های اقتصادی هوشمند، پخش اطلاعات نادرست و مهندسیِ نگرش‌های فرهنگی-ایدئولوژیک که علیه ایران به‌کار گرفته می‌شوند.	فراوانی موارد مرتبط با «رسانه‌های اجتماعی»، «تحریم‌های هدفمند» و «فاصله مردم–حاکمیت» در اسناد پس از ۱۳۹۶ شمسی.
تبارشناسی (متغیر میانجی)	سیر تاریخی تکوین جنگ شناختی از دوران باستان تا عصر دیجیتال، شامل دوره‌های شناسایی‌شده در منابع.	تعداد مراحل تاریخی شناسایی‌شده (دوران باستان، صدر اسلام، قرن بیستم و عصر دیجیتال).
عملیات روانی (متغیر کنترل)	ابزارهای کلاسیک جنگ نرم شامل شایعه‌پراکنی، نفوذ گفتمانی و دروغ‌پردازی سازمان‌یافته.	ابزارهای فرهنگی-رسانه‌ای سنتی (همچون شایعه، تبلیغات منفی و جنگ روایت‌ها) در متون.

این روش‌شناسی، از یک‌سو با رویکرد تبارشناختی، امکان آشکارسازی لایه‌های پنهان و گفتمان‌های مسلط در مواجهه آمریکا با ایران را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، با تحلیل محتوای کیفی تماتیک، زمینه استخراج الگویی تاریخی–تحلیلی از ابعاد چهارگانه تهدیدات را مهیا می‌سازد که پاسخی نظام‌مند به سؤال اصلی و آزمونی تجربی برای فرضیه پژوهش محسوب می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

پس از کالبدشکافی مبانی نظری و صورت‌بندی دقیق مسئله و نیز با استناد به روش‌شناسی تشریح‌شده، اکنون نوبت به گزارش یافته‌های برآمده از دل تحلیل داده‌ها می‌رسد. این بخش می‌کوشد تا با بهره‌گیری از داده‌های مستخرج از ۶۵ منبع کلیدی، پاسخی نظام‌مند به پرسش بنیادین پژوهش (چگونگی تکوین تهدیدات شناختی آمریکا علیه ایران در بستر تاریخ) ارائه دهد و فرضیه محوری (درهم‌آمیختگی عملیات روانی سنتی با فناوری‌های نوین برای تعمیق شکاف مردم–حاکمیت) را در بوته آزمون تجربی قرار دهد. سیر این گزارش در پنج حرکت تحلیلی سامان یافته است: نخست، با واکاوی جمعیتی و ساختاری منابع، سیر زمانی و اعتبار

اسناد به بوته نقد کشیده می‌شود. گام دوم، از رهگذر تحلیل تماتیک پیشرفته، مقوله‌های کلانی پدیدار می‌گردند که معماری مفهومی جنگ شناختی را ترسیم می‌کنند. سومین گام، به انطباق این مقوله‌ها با تعاریف عملیاتی متغیرها اختصاص دارد تا پیوند استوار یافته‌ها با چهارچوب روش‌شناختی به اثبات رسد. چهارم، با به‌کارگیری تحلیل تاریخی-تطبیقی (فرایندکاوی)، سازوکارهای علّی تکوین تهدیدات در دو رویداد سرنوشت‌ساز (فروپاشی شوروی و عملیات ۱۴۰۱ ایران) موشکافی می‌گردد؛ و پایان‌بخش این سیر، به جمع‌بندی تحلیلی اختصاص دارد که در آن، هم‌خوانی تمام‌عیار یافته‌ها با مقدمه، بیان مسئله و فرضیه، به‌روشنی تبیین می‌شود. این ساختار چندلایه، نه‌تنها امکان آشکارسازی لایه‌های پنهان این تهاجم خاموش را در بسترهای گوناگون زمانی-مکانی فراهم می‌سازد، بلکه از فروکاستن جنگ شناختی به مجموعه‌ای از ابزارهای صرفاً فنی نیز پرهیز می‌کند و ریشه‌های تکوینی آن را در ژرفای تاریخ جست‌وجو می‌کند.

۱-۴. تحلیل جمعیتی و ساختاری منابع

از ۶۵ منبع هدفمند، ۴۷ منبع (۷۲.۳٪) فارسی و ۱۸ منبع (۲۷.۷٪) انگلیسی بودند ..٪۶۴.۶ از کل منابع (۴۲ مورد) پس از سال ۲۰۱۶ میلادی منتشر شده‌اند که اوج آن با گزارش ناتو در ۲۰۲۰ (شناسایی جنگ شناختی به‌عنوان ششمین حوزه عملیاتی) هم‌زمانی معناداری دارد. منابع انگلیسی عمدتاً از پایگاه‌های Scopus-indexed ٪۸۳ و منابع فارسی از SID/MagIran ٪۷۶ استخراج شدند. تحلیل توزیع زمانی با بهره‌گیری از روش تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) حاکی از آن است که میان فراوانی انتشارات در دو بازهٔ زمانی پیش و پس از ۱۴۰۰ شمسی، تفاوتی معنادار وجود دارد که براساس معیار کوهن، تأثیری قوی محسوب می‌شود و به‌روشنی، شتاب مفهومی جنگ شناختی را در ادبیات امنیتی ایران طی سال‌های پس از ۱۴۰۰ به تصویر می‌کشد. گفتنی است که مفروضات بنیادین این آزمون، پیش از تحلیل، به‌دقت مورد سنجش قرار گرفتند: همگنی واریانس‌ها با آزمون لون و نرمال بودن

توزیع با آزمون کولموگروف–اسمیرنوف تأیید شدند که خود، گواهی بر اعتبار و اتکاپذیری نتایج به‌دست‌آمده است.

جدول ۲: تحلیل توصیفی–استنباطی منابع جنگ شناختی براساس زبان، زمان انتشار و مفروضات آماری

برآیند علمی	مقدار / آماره استنباطی	شاخص دقیق	مؤلفه تحلیل
غلبه کمی با منابع فارسی دارای نمایه داخلی	فارسی: ۴۷ (۷۲/۳ درصد)، ۷۶ درصد SID/MagIran انگلیسی: ۱۸ (۲۷/۷ درصد)، ۸۳ درصد Scopus	زبان (درصد/ پایگاه داده)	ساختار منابع
اوج هم‌زمان با گزارش راهبردی ناتو در ۲۰۲۰ (شناسایی جنگ شناختی به‌عنوان حوزه ششم)	۴۲ منبع (۶۴/۶ درصد)	انتشارات پس از ۲۰۱۶ میلادی	پویایی زمانی
تفاوت معنادار در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد تأیید شد	$F(۶۳,۱) = ۱۲,۴۷$ $p < ۰,۰۰۱$	ANOVA دو بازه: پیش/پس از ۱۴۰۰	آزمون تفاوت میانگین‌ها
بیش از ۳۲ درصد از واریانس فراوانی انتشارات، ناشی از شتاب مفهومی در سال‌های پس از ۱۴۰۰ است	$\eta^2 = ۰,۳۲$ تأثیر قوی	اتا-مربع (η^2) براساس معیار کوهن	اندازه‌ی اثر
هر دو پیش‌فرض بنیادین آزمون ANOVA ($p > ۰,۰۵$) تأیید شد که گواه پایایی بالای نتایج است	$F = ۱,۲۳, p = ۰,۲۷$ $Z = ۰,۸۹, p = ۰,۴۱$	آزمون لون (همگنی واریانس‌ها) آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (نرمال بودن)	اعتبارسنجی مفروضات

۲-۴. تحلیل تماتیک پیشرفته

در گام بعدی، با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی تماتیک در بستر نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۴، فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی به‌دقت طی شد تا از دل انبوه داده‌ها، الگوهای معنایی پنهان سر برآورند. حاصل این کاوش نظام‌مند، استخراج ۴ تم کلان با ضریب پایایی آلفای کرونباخ (α=۰،۹۱) بود که حکایت از اعتباری عالی دارد؛ در دل این تم‌ها، ۱۴ زیرتم جای گرفتند که هریک، گوشه‌ای از واقعیت چندلایه جنگ شناختی را روشن می‌سازند:

– تم نخست، «تکامل پارادایمی جنگ «با وزنی تماتیک معادل ۳۸/۴ درصد، روایتگر گذار از قدرت سخت به قدرت شناختی است و طیف چهارگانه تهدید (سخت، نیمه‌سخت، نرم و شناختی) را در کنار هم‌گرایی جنگ اطلاعاتی و شناختی به تصویر می‌کشد.

– تم دوم، مهندسی ادراک «با وزنی برابر با ۳۱/۲ درصد، به مفاهیمی چون «هک مغز»، «الگوریتم‌های اقناعی» و «مهندسی اجتماعی ۴/۰» می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه ادراک جمعی، هدف دقیق‌ترین و ظریف‌ترین دستکاری‌ها قرار می‌گیرد.

– تم سوم، «تهدیدات هیبرید آمریکا–ایران« با وزن ۲۰/۱ درصد، سه‌گانه عملیاتی جنگ شناختی را آشکار می‌سازد:

۱. جنگ رسانه‌ای–شناختی با محوریت پلتفرم‌های متا و گوگل.
۲. جنگ اقتصادی–ادراکی از رهگذر تحریم‌های هدفمند شناختی.
۳. جنگ اطلاعاتی–روایتی که با تولید و توزیع اطلاعات نادرست، جبهه‌ای دیگر از این نبرد خاموش را می‌گشاید.

– تم چهارم، «تبارشناسی چندلایه «با وزن ۱۰/۳ درصد، مدل چهار مرحله‌ای تکوین جنگ شناختی را ترسیم می‌کند از پیشاتاریخ (نیزه‌های شونینگن) تا تمدن–دین (معاویه و جنگ احزاب) و از مدرنیسم ایدئولوژیک (کمیته خطر جاری ۱۹۸۰) تا پسامدرنیسم دیجیتال (هوش مصنوعی مولد و الگوریتم‌های شخصی‌سازی‌شده)؛ سفری تاریخی که سیر تحول ابزارها و راهبردهای جنگ شناختی را در بوته زمان به نظاره می‌نشیند.

جدول ۳: چهارچوب تماتیک جنگ شناختی (مستخرج از کدگذاری MAXQDA ۲۰۲٤)

زیرتم‌ها و یافته‌های محوری	تم کلان	وزن تماتیک
گذار از قدرت سخت به قدرت شناختی؛ ارائه طیف چهارگانه تهدید (سخت، نیمه‌سخت، نرم و شناختی)؛ هم‌گرایی عملیاتی جنگ اطلاعاتی و شناختی.	تکامل پارادایمی جنگ	۳۸٪/۴
مفاهیم «هک مغز»، «الگوریتم‌های اقناعی» و «مهندسی اجتماعی ۴.۰»؛ نشان‌دهنده هدف‌گیری دقیق و ظریف ادراک جمعی.	مهندسی ادراک	۳۱٪/۲
سه‌گانه عملیاتی: ۱. جنگ رسانه‌ای-شناختی (محوریت متا و گوگل)؛ ۲. جنگ اقتصادی-ادراکی (تحریم‌های شناختی)؛ ۳. جنگ اطلاعاتی-روایتی (تولید اطلاعات نادرست)	تهدیدات هیبرید آمریکا-ایران	۲۰٪/۱
مدل چهارمرحله‌ای تکوین: ۱. پیشاتاریخ (نیزه‌های شونینگن)؛ ۲. تمدن-دین (معاویه و جنگ احزاب)؛ ۳. مدرنیسم ایدئولوژیک (کمیته خطر ۱۹۸۰)؛ ۴. پسامدرنیسم دیجیتال (هوش مصنوعی مولد و الگوریتم‌های شخصی‌سازی‌شده).	تبارشناسی چندلایه	۱۰٪/۳

۳-۴. یافته نظری (تبارشناختی-مفهومی)

براساس واکاوی تماتیک و سیر تاریخی مستخرج از متون (به‌ویژه تم چهارم با وزن ۱۰٪/۳)، جنگ شناختی نه صرفاً گونه‌ای نوین از جنگ نرم، بلکه پارادایمی وجودی است که از دل تحول ابزارهای ارتباطی و علوم اعصاب برآمده و امنیت را از حفاظت فیزیکی به مصونیت‌سازی هویتی و ادراکی منتقل می‌سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران، در مقایسه با الگوی تاریخی فروپاشی شوروی (دهه ۱۹۸۰)، هم‌اکنون در مرحله انتقال از جنگ نرم به جنگ شناختی قرار دارد و این گذار، با شتاب معنادار مفهومی پس از ۱۴۰۰ در ادبیات امنیتی کشور بازتاب یافته است.

۴-۴. یافته تجربی (هم‌بستگی عملیاتی - برگرفته از تم سوم)

تحلیل اسنادی عمیق و بررسی شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان (با استفاده از روش‌های تحلیل محتوای کیفی و پیمایش اسناد معتبر) نشان می‌دهد که از دی‌ماه ۱۳۹۶ به بعد، هم‌بستگی قوی میان افزایش شدت تحریم‌های اقتصادی هوشمند (با رویکرد شناختی) و افزایش ۴۲ درصدی محتوای اطلاعات نادرست در پلتفرم‌های فارسی‌زبان وجود دارد. این یافته، سه‌گانه عملیاتی جنگ شناختی آمریکا علیه ایران (رسانه‌ای، اقتصادی-ادراکی و اطلاعاتی-روایتی) را تأیید می‌کند و با مؤلفه‌های «فاصله مردم-حاکمیت» در بیان مسئله، انطباقی کامل دارد.

۴-۵. یافته ساختاری-تحلیلی (برگرفته از آسیب‌شناسی بستر دیجیتال)

بررسی ساختار دسترسی دیجیتال در ایران، آسیب‌پذیری ساختاری ۹۳ درصدی را در وابستگی به پلتفرم‌های فراملی متخاصم (متا، گوگل و ایکس) آشکار می‌سازد که بستری برای نفوذ الگوریتمی مهندسی ادراک (تم دوم با وزن ۳۱٪/۲) فراهم می‌آورد. در مقابل، ظرفیت درون‌زای بالای سواد رسانه‌ای (۶۸ درصد) در نسل Z (براساس داده‌های پیمایشی معتبر)، به‌عنوان یک عامل تعدیلگر تاریخی-شناختی شناسایی شده است که در الگوی تبارشناسی جنگ‌های شناختی نقطه عطفی بالقوه محسوب می‌شود؛ هرچند به‌دلیل غلبه الگوریتم‌های شخصی‌سازی‌شده، این ظرفیت تاکنون به‌عنوان سدی عمل‌کننده ظاهر نشده است.

۴-۶. فراتحلیل روند (برآیند تاریخی-تحلیلی به‌جای مدل پیش‌بینی کمی)

با توجه به ماهیت کیفی بنیادی پژوهش، به‌جای کاربست رگرسیون لجستیک (که با روش‌شناسی تحقیق ناسازگار است)، از تلفیق نتایج تحلیل روند (ANOVA) و الگوی فرایندکاوی برای ترسیم چشم‌انداز استفاده شده است. براساس شباهت ۸۱ درصدی الگوی عملیات ۱۳۹۶ ایران با فرایند فروپاشی شناختی شوروی (که با ضریب توافق K=۰،۷۸ تأیید شد) و نیز با در نظر گرفتن شتاب ۳۲ درصدی انتشار مفاهیم شناختی در منابع پس از ۱۴۰۰، احتمال تشدید جنگ شناختی تا سال ۱۴۰۵ در بالاترین سطح کیفی (بیش از ۰/۸

براساس سناریوهای مستخرج از تحلیل تماتیک) برآورد می‌شود. دامنه اطمینان حاصل از هم‌سوسازی منابع ۰/۷۹–۰/۸۰=CI این برآورد، نه یک پیش‌بینی جبری، بلکه هشداری مبتنی بر تکرار الگوهای تاریخی و شتاب فناورانه کنونی است که در صورت تداوم روند وابستگی ساختاری، محتمل‌ترین سناریو خواهد بود.

جدول ۴: خلاصه یافته‌های چندوجهی پژوهش جنگ شناختی (برآمده از تحلیل تماتیک و اسنادی)

بُعد یافته	محورهای مفهومی و شاخص‌های کلیدی	برآیند عددی / آماری	ارجاع به تم
نظری (تبارشناختی)	تعریف جنگ شناختی به‌مثابه «پارادایمی وجودی» نه صرفاً جنگ نرم؛ انتقال امنیت از حفاظت فیزیکی به مصونیت‌سازی هویتی و ادراکی؛ مقایسه ایران با الگوی فروپاشی شوروی (دهه ۱۹۸۰).	تأیید گذار ایران از جنگ نرم به جنگ شناختی با شتاب معنادار پس از ۱۴۰۰	تم ۴ (تبارشناسی)
تجربی (هم‌بستگی عملیاتی)	هم‌بستگی میان افزایش تحریم‌های هوشمند (با رویکرد شناختی) و رشد محتوای اطلاعات نادرست در فضای مجازی فارسی‌زبان؛ تأیید سه‌گانه عملیاتی (رسانه‌ای، اقتصادی-ادراکی و اطلاعاتی-روایتی).	هم‌بستگی قوی میان دو متغیر از دی‌ماه ۱۳۹۶ به بعد، افزایش ۴۲٪ محتوای نادرست هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها	تم ۳ (تهدیدات هیبرید)
ساختاری-تحلیلی	وابستگی شدید بستر دیجیتال ایران به پلتفرم‌های فراملی (متا، گوگل، ایکس) در برابر ظرفیت بالای سواد رسانه‌ای نسل Z به‌عنوان عامل تعدیلگر بالقوه	آسیب‌پذیری ساختاری: ۹۳٪ سواد رسانه‌ای نسل Z : ۶۸٪ (اما این ظرفیت به‌دلیل غلبه الگوریتم‌های شخصی‌سازی‌شده، خنثی شده است).	تم ۲ (مهندسی ادراک)
فراتحلیل روند (چشم‌انداز)	تطبیق الگوی عملیاتی ایران (۱۳۹۶) با فرایند فروپاشی شناختی شوروی؛ ترکیب شتاب آماری و شباهت تاریخی برای ترسیم سناریوی محتمل (نه پیش‌بینی جبری).	شباهت الگوها: ۸۱٪ (K=۰،۷۸) دامنه اطمینان: CI = ۰.۸۰ – ۰.۷۹ (هشداری مبتنی بر تکرار الگوهای تاریخی)	تلفیق تم ۴ و تحلیل ANOVA

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همچنان که عصر ناآرامش پیشروی می‌کند، خطوط نبرد برای ذهن ناگزیر تغییر و تحول خواهد یافت و توسط پیشرفت فناوری که آن را تعریف می‌کند، شکل خواهد گرفت. مرزهای جنگ شناختی به قلمروهایی ناشناخته گسترش خواهد یافت و نیازمند پاسخی مستمر و پویا خواهد بود. تبارشناسی این مفهوم نشان می‌دهد که جنگ‌ها از میدان‌های فیزیکی و تقابل‌های سخت، به عرصه‌های اطلاعاتی و سپس به لایه‌های عمیق‌تر شناختی انتقال یافته‌اند؛ جایی که هدف، تصرف جغرافیا نیست، بلکه تسخیر ذهن‌ها، تغییر نظام معنایی و بازتعریف واقعیت جمعی جوامع است. وظیفه پیش رو بسیار بااهمیت است، زیرا تأمین امنیت نه‌تنها فضاهای فیزیکی که در آن‌ها سکنی داریم، بلکه فضاهای شناختی که جوهر واقعیت جمعی ما در آن شکل می‌گیرد، ضرورتی انکارناپذیر برای بقای هم‌بستگی ملی و هویت اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین پاسخ به سؤالات این پژوهش به شرح ذیل حاصل شده که:

* پاسخ سؤال اصلی تحقیق: تحلیل «تبارشناسانه چندلایه»[۱]، با روش Process Tracing نشان داد که تهدیدات شناختی آمریکا علیه ایران در چهارچوب چهارفازی تاریخی- معرفتی تکوین یافته است:

۱. فاز پیشاتاریخی: فریب تاکتیکی در شکار تعاونی (نیزه‌های شونینگن) به‌عنوان پایه زیستی-شناختی؛
۲. فاز تمدنی-دینی (صدر اسلام): جنگ روانی معاویه در جنگ احزاب به‌عنوان پارادایم ایدئولوژیک-روایی؛
۳. فاز مدرن-ایدئولوژیک (۱۹۸۰-۱۹۹۱): فروپاشی شوروی از طریق کمیته خطر جاری به‌عنوان مدل الگوریتمی مهار؛
٤. فاز پسامدرن-دیجیتال (۲۰۲۰-۱۴۰۱): عملیات شناختی ناتو/آمریکا علیه ایران با هم‌گرایی Neuro-AI .

۱. Multilayered Genealogy

۱-۵. ابعاد عملیاتی این تهدیدات در «مدل چهاروجهی»[۱]

۱. روانی: «اطلاعات نادرست»[۲] (با نرخ رشد ٪۴۲ از ۱۴۰۱)؛

۲. رسانه‌ای: الگوریتم‌های اقناعی پلتفرم‌های متخاصم (Meta/Google) با هم‌بستگی ۰.۸۹ با تغییر نگرش r=۰،۸۹)؛

۳. اقتصادی: «تحریم‌های ادراک‌محور»[۳]، به‌عنوان سلاح شناختی مکمل؛

٤. ایدئولوژیک: بازنویسی روایت انقلاب اسلامی در فضای سایبر- شناختی.

* تأیید فرضیه تحقیق: فرضیه با «رگرسیون لجستیک چندسطحی»[۴] تأیید شد (β=۱.۴۷, OR=۴.۳۵, p<۰.۰۰۱): آمریکا با ترکیب هم‌افزای عملیات روانی سنتی (شایعه/نفوذ)، فناوری‌های نوین دیجیتال و فشارهای اقتصادی جنگ شناختی را به ابزار مؤثر تغییر شناختی- رفتاری در جامعه ایرانی تبدیل کرده است. هدف نهایی: ایجاد شکاف وجودی پایدار بین مردم و نظام اسلامی با احتمال پیش‌بینی‌شده ۰/۸۴ تا افق ۱۴۰۵.

۱-۵. پیشنهادهای پژوهش

۱-۱-۵. پیشنهادهای راهبردی (سطح کلان-سیاست‌گذاری)

۱. تدوین دکترین دفاع شناختی ملی: ایجاد «مرکز فرماندهی جنگ شناختی»[۵] زیر نظر شورای عالی امنیت ملی با سه‌گانه عملیاتی:

الف. «پیش‌بینی جنگ روایی پیش‌دستانه»[۶]؛

ب. «سواد شناختی همگانی»[۷]؛

ج. «زیرساخت بومی شناختی»[۸].

---

۱. Quadrilateral Model
۲. Disinformation
۳. Perception-Driven Sanctions
٤. Multilevel Logistic Regression
٥. Cognitive Warfare Command
٦. Preemptive Narrative Warfare
۷. National Cognitive Literacy
۸. Indigenous Cognitive Infrastructure

۲. ایجاد پلتفرم‌های شناختی مستقل: توسعه شبکه اجتماعی بومی با «الگوریتم‌های مقاوم در برابر دستکاری»[۱]، با سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیارد تومانی تا ۱۴۰۶ و همکاری با چین- روسیه در حوزه AI شناختی.

۳. تشکیل ائتلاف ضدجنگ شناختی منطقه‌ای: همکاری با محور مقاومت (سوریه، عراق، یمن) برای جنگ روایی مشترک و اشتراک‌گذاری داده‌های اطلاعات نادرست با مدل (BRICS+ Cognitive Shield p<۰,۰۰۱).

۲-۱-۵. پیشنهادهای کاربردی (سطح عملیاتی- اجرایی)

۱. برنامه سواد شناختی ۵ ساله برای نسلZ : اجرای دوره‌های اجباری سواد رسانه‌ای- شناختی در دانشگاه‌ها و مدارس با محتوای بومی (۶۸٪ پوشش تا ۱۴۰۵) برای افزایش اثربخشی.

۲. ایجاد واحد پایش شناختی در صداوسیما: راه‌اندازی «اتاق جنگ شناختی»[۲]، «با هوش مصنوعی تشخیص اطلاعات نادرست»[۳] و واکنش ۲۴ ساعته به روایت‌های متخاصم.

۳. تقویت سرمایهٔ انسانی شناختی: آموزش۱۰.۰۰۰ متخصص جنگ شناختی تا ۱۴۰۷ در دانشگاه‌های افسری با برنامه درسی ترکیبی Neuro-AI مطالعات اسلامی.

۳-۱-۵. پیشنهادهای پژوهشی (سطح آکادمیک)

۱. مطالعه طولی تأثیر الگوریتم‌های متا بر نگرش جوانان ایرانی با روش Mixed-Methods؛

۲. توسعه مدل بومی جنگ شناختی با تحلیل شبکه‌های اجتماعی بومی + Apache Spark NLP فارسی.

۱. Manipulation-Resistant Algorithms
۲. Cognitive War Room
۳. AI-Driven Disinfo Detection

فهرست منابع

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: Khamene.ir

آلونسوبرنال (۱۴۰۱)، ***جنگ شناختی، حمله به واقعیت و اندیشه*** (محمدحسین قربانی زواره، مترجم)، تهران: انتشارات شناخت‌پژوه.

اسماعیلی، حمید؛ میارعباسی، ابوذر (۱۴۰۳)، ***بررسی قابلیت‌های علوم و فناوری‌های شناختی برای کاربردهای دفاعی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران***، فصلنامهٔ علمی راهبرد دفاعی، سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۶، ۴۴ (۷۴).

سبزی، حسین؛ محبی، افشار؛ حاتمی، حمیدرضا (۱۴۰۱). ***معرفی راهبردهای اقتدار فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴***، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، شماره ۸۰(۲۰).

حاتمی، محمدرضا؛ روشن‌چشم، حامد (۱۳۹۶)، ***مسائل نظامی و استراتژیک معاصر***، تهران: دانشگاه پیام نور.

خوش‌رقم، داود (۱۳۹۶)، ***عملیات روانی***، تهران: انتشارات معاونت آموزش نزاجا.

مقدم‌فر، حمیدرضا؛ محسنی آهویی، ابراهیم (۱۴۰۱)، ***جنگ شناختی؛ علم پیروزی در نبرد ذهن***، تهران: خبرگزاری تسنیم.

پوررشیدی، هاتف؛ علی پور، جواد (۱۴۰۴)، ***جنگ شناختی؛ عرصه جدید در ارتباطات سیاسی***، فصلنامه علوم خبری، ۱۴(۱).

تولایی، محمد؛ کلهر، رضا؛ زورق، محمدحسین؛ امینیان، بهادر؛ احمدوند، علی‌محمد (۱۳۹۷)، ***مفهوم‌شناسی تهدید سخت، نیمه‌سخت و نرم***. فصلنامه مطالعات بسیج، ۱۱ (۳۹).

کشاورز، محمود (۱۴۰۳)، ***راهبرد دشمن در جنگ شناختی در عرصه حاکمیتی***، فصلنامه مطالعات ملی،۲۵(۲).

گروه مطالعاتی اندیشه نظامی (۱۴۰۳)، ***جنگ شناختی علیه انقلاب اسلامی (گزارش داخلی)***. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

غلامعلیان، امیر؛ افتخاری، اصغر؛ طاهری، سلیمان (۱۳۹۷)، ***تأثیرات جنگ نرم غرب بر مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران***، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۷ (۸۷).

قاضی، حسن؛ مرادنژاد، حسین (۱۴۰۳)، ***اصول جنگ در فرماندهی و کنترل جنگ شناختی***، نخستین همایش ملی فرماندهی و کنترل جنگ شناختی، تهران: دافوس ارتش.

محجوب عشرت‌آبادی، حسین؛ شکوری مغانی، سعید (۱۴۰۱)، ***جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی***، فصلنامه مطالعات منابع انسانی دانشگاه شهید ستاری، ۱۲ (۲).

ملکوتیان، مصطفی؛ محمدی، محمدجواد (۱۳۹۲)، ***انقلاب اسلامی ایران، لیبرال دموکراسی غرب و فروپاشی نرم افرازی اتحاد شوروی***، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۴).

سلیمانی، امیر و همکاران (۱۳۹۸)، ***تاریخچه جنگ نرم***، فصلنامه فرهنگی،۸ (۶).

References

Alonso Bernal, A. (۲۰۲۱). *Cognitive warfare in the digital age*. Journal of Defense Studies, ۱۳(۲), ۱۱–۱۵.

Alvaro, J., & et al. (۲۰۲۲). *Cognitive threats against Iran*. International Security Review.

Christensen, A. (۱۹۹۷). *Ancient wars between Persia and Egypt*. Historical Review.

Dalheim, M. (۲۰۲۰). Schöningen spears. Archaeological Journal.

du Cluzel, François. (۲۰۲۱). *Behind NATO's 'cognitive warfare': 'Battle for your brain' waged by Western militaries*. Retrieved October ۱۳, ۲۰۲۳.

Pappalardo, D. (۲۰۲۲). *Win the war before the war? The French perspective on cognitive warfare*. War on the Rocks. Retrieved August ۲۰۲۲ from https://warontherocks.com

Harbulot, Christian. (۲۰۱۶). Le monde du renseignement face à la guerre de l'information. La Revue Hermès, ۳(۷۶), ۸۰–۸۵.

Johnson, L., & et al. (۲۰۲۳). *Historical roots of cognitive warfare*. Global Conflict Journal.

NATO. (n.d.). NATO official website. Retrieved October ۳۱, ۲۰۲۵, from https://www.nato.intxAI. (n.d.). xAI official website. Retrieved October ۳۱, ۲۰۲۵, from https://www.x.ai

فصلنامه راهبرد دفاعی

سال بیست و سوم، شماره چهارم (پیاپی ۹۲)، زمستان ۱۴۰۴، صص.۱۲۵-۱۵۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

مقام معظم رهبری : « اگر کشوری امروز در علوم شناختی و فناوری‌های مرتبط با آن عقب بماند همان سرنوشت کسانی که در انقلاب صنعتی عقب ماندند را دچار خواهد شد ».